

معرفی نسخه خطی ریاحین القلوب امیر سید علی حسینی (ترجمه منظوم گلستان سعدی)

احمد ذکات، سهیلا موسوی سیرجانی*، نرگس جابری نسب

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

سال هجدهم، شماره دهم، دی ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۱۶، صص ۲۵۹-۲۴۱

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8012>

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: ریاحین القلوب ترجمه منظوم گلستان شیخ اجل سعدی شیرازی است. نسخه خطی مذکور توسط شاعری خوش ذوق به نام امیرسیدعلی حسینی در قرن نهم هجری تألیف شده است. مؤلف، کل گلستان را در هشت باب، یک دیباچه، افتتاحیه و اختتامیه به نظم درآورده و از عناوینی مانند ترجمه بیت، ترجمه قطعه، ترجمه مثنوی، ترجمه دعا و... استفاده کرده است و به جز مقدمه منظوم کوتاهی در وصف سلطان خلیل و حمدوستایش خدا، بقیه نسخه را بر اساس گلستان سعدی ترجمه و برگردان منظوم کرده و عنوان هر باب را در آغاز آن نوشته است. هدف از پژوهش حاضر، معرفی و شناساندن این نسخه منحصر بفرد در رابطه با گلستان سعدی است.

روش مطالعه: روش پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده است. با توجه به تک نسخه بودن اثر، جهت تصحیح و معرفی اثر، از شیوه تصحیح قیاسی نسخه بهره گرفته شده است. **یافته‌ها:** از این نسخه ارزشمند تنها یک نسخه در نور عثمانیه (استانبول شماره ۳۹۳۰) یافت شد. فایل عکسی از نسخه مذکور برای تصحیح به دست نگارندگان پژوهش رسیده است. نکته حائز اهمیت آن است که این اثر تنها اثر ترجمه شده منظوم گلستان سعدی است.

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که نسخه خطی ریاحین القلوب، برگردان و ترجمه منظوم گلستان شیخ اجل سعدی شیرازی، به همت شاعری خوش ذوق و ارادتمند سعدی، امیر سیدعلی حسینی است. کاتب اثر نیز خود امیر سیدعلی حسینی است. وی به فاصله چند قرن از وفات سعدی در قرن نهم هجری قمری و در زمان حکومت آق‌قویونلوها در شیراز میزیسته و تلاش کرده تا گلستان سعدی شیرازی را از نثر مرسل به نظمی روان و ساده و به بیانی حتی ساده‌تر از خود گلستان، برگرداند.

تاریخ دریافت: ۱۹ مرداد ۱۴۰۴
تاریخ داوری: ۲۱ شهریور ۱۴۰۴
تاریخ اصلاح: ۱۰ مهر ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۲۰ آبان ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

نسخه خطی، ریاحین القلوب، گلستان سعدی، ترجمه منظوم، امیر سیدعلی حسینی.

* نویسنده مسئول:

s_mousavi@azad.ac.ir ✉

☎ ۳۳۷۸۳۷۳۷ (۲۱ ۹۸+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Introducing the manuscript of Amir Seyyed Ali Hosseini's "Riyahin al-Qulub" (translation of Saadi's Golestan)

A. Zakavat, Soheila Mousavi Sirjani*, N. Jaberi Nasab

Department of Persian Language and Literature, ST.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 10 August 2025

Reviewed: 12 September 2025

Revised: 02 October 2025

Accepted: 11 November 2025

KEYWORDS

Manuscript, Riyahin al-Qulub, Golestan Saadi, translation of the poem, Amir Seyyed Ali Hosseini.

*Corresponding Author

✉ s_mousavi@azad.ac.ir

☎ (+98 21) 33783737

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Riyahin al-Qulub is a translation of the Golestan poem by Sheikh Ajl Saadi Shirazi. The manuscript was written by a talented poet named Amir Sayyid Ali Hosseini in the 9th century AH. The author has arranged the entire Golestan in eight chapters, a preface, an opening and a closing, and has used titles such as translation of verses, translation of a piece, translation of a Mathnavi, translation of a prayer, etc. Except for the introduction of a short poem describing Sultan Khalil and praising God, the rest of the manuscript has been translated and translated based on Saadi's Golestan and has written the title of each chapter at the beginning of it. The aim of the present study is to introduce and introduce this unique manuscript in relation to Saadi's Golestan.

METHODOLOGY: The present research method is descriptive-analytical. Considering the single copy of the work, the method of comparative copy correction has been used to correct and introduce the work.

FINDINGS: Only one copy of this valuable manuscript was found in Nur Osmaniyya (Istanbul, No. 3930). A photo file of the aforementioned manuscript has been received by the authors of the study for correction. It is important to note that this work is the only translated work of Saadi's Golestan.

CONCLUSION: The results of this research indicate that the manuscript of Riyahin al-Qulub, the translation and rendering of the Golestan poem by Sheikh Ajl Saadi Shirazi, was done by a poet who was a good taster and devoted to Saadi, Amir Seyyed Ali Hosseini. The scribe of the work is also Amir Seyyed Ali Hosseini himself. He lived in Shiraz several centuries after Saadi's death in the 9th century AH, during the reign of the Aq Qoyunlu dynasty, and tried to transform Saadi Shirazi's Golestan from mursal prose to a fluent and simple rhyme, and to an expression even simpler than the Golestan itself.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8012>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 14	 0	 0

مقدمه:

نسخه خطی حاضر، اثری منحصربفرد از ترجمه منظوم یکی از زیباترین و ارزشمندترین نثرهای مکتوب زبان فارسی، یعنی *گلستان* شیخ اجل سعدی شیرازی است که در فاصله‌ای نه چندان دور از زمان حیات استاد سخن، سعدی شیرازی تألیف شده و تاکنون تصحیح و عرضه نشده است. نسخه حاضر توسط امیرسیدعلی حسینی که در قرن نهم و سال ۸۶۰ هجری قمری میزیسته و طبق بیان شاعر در انتهای کتاب در ۲۵ ذی الحجه سال ۸۶۳ هجری قمری به نام سلطان خلیل تألیف شده و این تحقیق بر اساس تنها نسخه خطی منحصربفردی که در کتابخانه نور عثمانیه^۱ (استانبول شماره ۳۹۳۰) نگهداری میشود، انجام شده است. در این نسخه خطی منظوم مؤلف و شاعر اثر، ترجمه منظوم *گلستان* را بر وزن (مفعول فاعلات و مفاعیل و فاعلن) و بحر (مضارع مثنی اخرج مکفوف محذوف) سروده و در قالب مثنوی تنظیم کرده که تقریباً از اوزان و قالب‌های شعری پرکاربرد و زیبای شعر و ادبیات فارسی است. مؤلف در این اثر سعی کرده است تمامی مطالب *گلستان* را در حدّ توان خود بصورت منظوم ترجمه کند؛ نکته حائز اهمیت آن است که مؤلف اشعار *گلستان* را نیز با عناوینی چون ترجمه مثنوی، ترجمه دوبیتی و غیره دوباره به نظم و در بحر (مضارع مثنی اخرج مکفوف محذوف) درآورده است.

در کتابت این اثر از کاغذ کاهی و قلم سیاه برای متن و قلم الوان و رنگی برای عناوین ابواب و حکایات استفاده شده و سایر مطالب را با رنگهای سبز، قرمز و... آمده است. اثر به خط نستعلیق نوشته شده است. با توجه به تک نسخه بودن این اثر، تصحیح به روش قیاسی انجام شده و تلاش شده است تا ویژگیهای اثر از نظر کیفیت ترجمه منظوم، قدرت شعری، سبک شعری و سایر خصایص آن محفوظ باقی بماند؛ در ادامه ویژگیهای این نسخه خطی از نظر شکلی و ظاهری اعم از معرفی کاغذ، قلم، سبک کتابت و غیره بررسی بررسی شده است.

معمولاً وقتی از یک نسخه خطی به جامانده تنها یک نسخه خطی در دسترس باشد از روش قیاسی در تصحیح استفاده میشود. «در تصحیح، قیاسی مصحح مجاز به استفاده از حدس و تشخیص خویش است؛ اما این حدس بدون پروردگی در متنشناسی و متنپژوهی و بدون توجه به قرائن و مؤیدات، زبانی، معنایی، موضوعی، تاریخی و فرهنگی موجود در خود اثر با آثار همعصر آن، راه به جایی نخواهد برد. تصحیح قیاسی به مراتب از شیوه‌های سه‌گانه تصحیح دشوارتر است و توانایی و حوصله‌ای بیشتر میطلبد؛ زیرا مصحح برای تصحیح هر ضبط مغلوط

^۱. ابوالفتح سلطان خلیل فرزند اوزون حسن، دومین پادشاه آق‌قویونلو بود که در سال ۱۴۷۸ میلادی مصادف با ۸۸۱-۸۸۲ هجری بر بخشهای بزرگی از ایران حکومت کرد. سلطان خلیل پیش از رسیدن به سلطنت، والی فارس بود. او از حامیان ادبیات فارسی در شیراز بود. سلطان خلیل پس از پدرش اوزون حسن به سلطنت رسید، اما با برادرانش به ستیز برخاست. یکی از برادرانش به نام مقصود را کشته و دیگر برادرانش یعقوب و یوسف را تبعید کرد. در همین سال، عمویش مرادبیگ بایندر را مغلوب کرده و سیاست مرکزگرایی را در پیش گرفت؛ اما بزرگان آق‌قویونلو از این سیاست ناراضی بودند. سلطان خلیل در نهایت در ژوئیه ۱۴۷۸ میلادی ۸۸۲ هجری در نزدیکی خوی از طرف حامیان برادر ۱۴ ساله‌اش سلطان یعقوب شکست خورد و کشته شد و در تبریز مدفون گشت. بدین ترتیب، سلطنت آق‌قویونلو به برادرش منتقل شد.

^۲. کتابخانه نورعثمانیه استانبول، کتابخانه‌ای است که در ورودی بازار بزرگ، در ناحیه امینونو، محله چمبرلیتاش، شهر استانبول کشور ترکیه واقع شده است. ساخت آن در سال ۱۷۴۹ میلادی و در زمان سلطنت سلطان محمود اول عثمانی آغاز شد و در سال ۱۷۵۵ در زمان سلطنت عثمان سوم به پایان رسید. معمار این بنا که به سبک باروک ساخته شده است، «سینان کالفا» بود. این کتابخانه در مجموعه نور عثمانیه واقع شده است. این کتابخانه شامل یک زیرزمین ساخته شده در برابر رطوبت در طبقه پایین و یک اتاق مطالعه و انبار در طبقه بالا است. این کتابخانه شامل مجموعه‌هایی از آثار متعلق به سلطان محمود اول عثمانی و سلطان عثمان سوم عثمانی و همچنین ۷۹ نسخه خطی متعلق به «بایرام پاشا» است. این کتابخانه شامل ۵۰۵۳ نسخه خطی، ۹۱۹ نسخه به زبان ترکی، ۳۶۶۷ نسخه به زبان عربی و ۴۶۶ نسخه به زبان فارسی است.

مغشوش ناگزیر است که با اتکای بر قریحه نکته‌سنجی و بر اثر جستجوهای پیگیر در آثار عصر مؤلف و به مدد ذوق نقادی و سخن‌سنجی از نگارش‌های هم‌طراز و هم‌گونه اثر مورد نظر، قراین و مؤیداتی بجوید و با توجه به برهان و حجت علمی و تحقیقی - که خواننده محقق را قانع کنند - ضبط‌های درست و مضبوط را جایگزین ضبط‌های مغلوط و نادرست نسخه کند.» (معصومی، ۱۴۰۰: ۷۰ به نقل از مایل هروی ۱۳۶۹: ۲۸۲)

پژوهش حاضر با توجه به منحصر بفرد بودن ترجمه منظوم گلستان، ارزشمند و حائز اهمیت است؛ همچنین تلاش دارد تا در معرفی هرچه بیشتر ارزش گلستان و همچنین برداشتها و اقتباسها و استقبالتها و ترجمه‌های انجام شده از آن توسط نویسندگان و شعرای بعد از سعدی و تأثیری که آثار سعدی از جمله گلستان بر ادبیات فارسی گذاشته را بیش از پیش نمایان سازد و در نهایت سبب حفظ و ماندگاری و شناسایی و معرفی یکی دیگر از گنجینه‌های ارزشمند خطی ادب پارسی میشود و آن را از گوشه کتابخانه‌ها و موزه‌ها به منظر عموم و به خصوص ادب دوستان، میرساند.

معرفی نسخ خطی

اهمیت و ضرورت مطالعه کتابهای خطی قدیمی این متون ارزشمند نه تنها روایتگر داستانها و افکار افراد مختلف در دوره‌های گذشته است، بلکه بازتاب‌دهنده فرهنگ، باورها و آرزوهای مردمی است که روزگاری در آن فضا زندگی میکردند. با غوطه‌ور شدن در این آثار، نه تنها به درک بهتری از تاریخ میرسیم، بلکه به رشد شخصی و اجتماعی خود نیز کمک میکنیم. نسخه‌های خطی از جهت شکل ظاهری، تغییر چندانی نیافته‌اند. شکلهای مهم آن عبارتند از: طولماری، بیاض، مُرَقَّع، کتابی. منظور از شکل کتابی، همان شکل امروزی کتاب است که در گذشته «کُدکس»^۱ نام داشت و رایجترین قطع نسخه‌های خطی است و نسخه خطی *ریاحین القلوب* نیز به همین شکل است. در تصحیح نسخ خطی به موارد ذیل توجه ویژه‌ای میشود: (۱) شناسایی نسخه اساس و نسخه بدل؛ این امر درباره نسخی کاربرد دارد که از آنها چندین نسخه به دست ما رسیده باشد. از نسخه خطی *ریاحین القلوب* تنها یک نسخه در کتابخانه‌ها یافت شد. (۲) مقابله؛ از آنجا که از نسخه خطی *ریاحین القلوب* تنها یک نسخه در کتابخانه‌ها یافت شد، مقابله‌ای انجام نشد. (ر.ک. مایل هروی، ۱۳۶۹: ۱۴۰)

در بسیاری از نسخه‌های خطی رکابه و نقش مهرها دیده میشود. در کتابت نسخه‌ها ذکر شماره صفحه مرسوم نبود، کاتبان نخستین واژه ابتدای صفحه زوج را در پایین صفحه فرد، سمت چپ، مینوشتند تا صحافان در مرتب کردن اوراق و برگ‌های خطاطی شده با مشکل روبرو نشوند. رکابه نقش صفحه‌شمار را داشت. تشخیص و تطبیق رکابه‌ها در نسخه‌شناسی، برای یافتن افتادگیهای متن، امر مهمی است. رکابه را رکابک و پاورق نیز خوانده‌اند. در نسخه خطی *ریاحین القلوب* نیز از رکابه استفاده شده است. در نسخه خطی *ریاحین القلوب* نیز سه مورد مهر بعنوان مهر وقف به همراه نقش طغرای سلطانی در صفحه اول و آخر آن درج گردیده است که متعلق به دوره امپراطوری عثمانی و سلطنت عثمان دوم می‌باشد. (ر.ک. مایل هروی، ۱۳۷۹: ۸۵)

رسم الخط یا شیوه نوشتار در نسخه خطی *ریاحین القلوب*، نستعلیق است.

^۱ کُدکس (Codex) کتاب قبل از اختراع چاپ: الواح چوبی موم اندود در روزگار باستان؛ بعدها ورق‌های پوست تاخوردی که به تخته‌هایی متصل و سپس صحافی میشدند. اصطلاح «کُدکس» به همه آثار مفصل، مجموعه کتابهای تاریخ و فلسفه و شعر، و در امپراتوری روم به کتابهای مجمع القوانین اطلاق میشد. در قرن ۲م کُدکس رفته‌رفته جای طومار را در غرب گرفت. از اوایل قرن اول.م، کُدکس برای نگهداری اسناد کلیسا کاربرد گسترده‌ای یافت. کُدکسهای گوناگونی درباره تمدنهای سرخ پوستان مکزیک پس از غلبه اسپانیاییها بر آنها، در حدود ۱۵۲۰، در دست است.

با توجه به تک نسخه بودن نسخه خطی *ریاحین القلوب* برای تصحیح این نسخه از روش قیاسی استفاده شده است.

هدف و ضرورت پژوهش

از آنجا که نسخه ارزشمند *ریاحین القلوب* شناسایی نشده و خود اثر و شاعر آن نیز شناسانده نشده است، نگارندگان این پژوهش برآن شدند تا این نسخه ارزشمند که تنها یک نسخه از آن در کتابخانه‌ها موجود است را به اهالی علم و دانش معرفی کنند. در راستای این پژوهش، نگارندگان از متن مقالات و رساله‌ها و پایاننامه‌های مختلفی که در باب گلستان سعدی نگاشته شده، بهره برده و تلاش کرده‌اند تا با تصحیح درست *ریاحین القلوب*، زیباییهای مفهومی حکایت‌های سعدی را به نمایش درآورند تا شاید اندکی به بازشناسی ارزش گلستان سعدی و شناخت هرچه بیشتر حکمت‌های آن و همچنین شناساندن ارزش ترجمه منظوم گلستان در *ریاحین القلوب* و سبک شعری شاعر و مؤلف *ریاحین القلوب* کمک کنند.

روش و سؤال پژوهش

پژوهش حاضر به روش توصیفی — تحلیلی به شناسایی و معرفی نسخه ارزشمند *ریاحین القلوب* پرداخته است و در صدد است تا به سؤالات ذیل پاسخ دهد:

- ۱- زبان شعری در نسخه خطی *ریاحین القلوب* چیست؟
- ۲- نسخه خطی *ریاحین القلوب* دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۲- محتوای *ریاحین القلوب* چیست؟
- ۳- آیا این اثر ترجمه دقیقی از *گلستان* سعدی به زبان نظم است؟

پیشینه پژوهش

با توجه به اهمیت تصحیح نسخ خطی، مقالات و پایاننامه‌های ارزشمندی در زمینه تصحیح نسخ خطی به رشته تحریر در آمده‌اند:

نظری (۱۳۸۸)، در مقاله «پرسه‌هایی در نسخ خطی» به معرفی جنگی ارزشمند از صفی‌قلی بیگ یزدی پرداخته است. دیباجی (۱۳۴۶) در مقاله «نسخ خطی، دانشنامه جهان» به معرفی دانشنامه جهان پرداخته است. نوشاهی (۱۳۷۳) در مقاله «تصحیح نسخ خطی: رساله والدیه» به معرفی و نحوه تصحیح نسخه خطی رساله والدیه پرداخته است. نکته حائز اهمیت آن است که تاکنون نسخه خطی *ریاحین القلوب* تصحیح و معرفی نشده است. از اینرو نگارندگان در ضمن این پژوهش سعی در شناسایی و معرفی این اثر ارزشمند دارند.

معرفی و بررسی ویژگی‌های نسخه خطی *ریاحین القلوب*

نظر به اینکه «بحث تقلید از آثار ادبی در میان همه ملت‌ها وجود دارد و با مطالعه آثار اعصار گذشته و مقایسه آنها با آثاری که در طول قرون پدید آمده است، میتوان تأثیر نوشته‌های پیشین را مشاهده کرد.» (اسکندری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۵) اما *ریاحین القلوب* ترجمه‌ای منظوم از گلستان سعدی است؛ نسخه‌ای بدیع و تازه با اطلاعات ارزشمند بسیاری است که تاکنون معرفی نشده است و پژوهشی حول این نسخه صورت نگرفته است. شایان ذکر است که خود اثر و شاعر آن گمنام و در لایه‌های زیرین تاریخ مدفون بوده‌اند.

مولف و شاعر این اثر ارزشمند، امیر سید علی حسینی است که در سال ۸۶۰ هجری قمری و در زمان آق‌قویونلوها

و حکومت سلطان خلیل‌بن سلطان پسر اوزون حسن آق‌قویونلو که قبلاً نیز حاکم فارس بوده و در شیراز می‌زیسته است.

مشخصات ظاهری نسخه عبارت است از: شماره ۴۹۴۰ و ۳۹۳۰ کتابخانه نور عثمانی استانبول، قطع وزیری، یا همان سلطانی قدیم ۱۶۰×۲۴۰، خط نستعلیق، کاغذ کاهی دارای جلد مقوایی با عطف و گوشه پارچه‌ای قهوه‌ای رنگ، از رنگ قلم سیاه برای متن و رنگ‌های الوان برای عناوین استفاده شده است. کاتب اثر، خود شاعر است. این اثر تک نسخه است و در کتابخانه استانبول نگهداری می‌شود؛ از اینرو تنها فایل عکسی آن به دست نگارندگان رسیده است. سال دقیق اتمام کتابت اثر طبق نوشته‌ی شاعر در پایان نسخه ۲۵ ذی الحجه سال ۸۶۳ هجری قمری است و به سلطان خلیل‌بن سلطان آق‌قویونلو تقدیم شده است. زمان دقیق وقف اثر طبق مهر مندرج بر روی نسخه و طغرای منقوش بر آن به دوران حکومت عثمان دوم در امپراطوری عثمانی است و این نسخه وقف حرمین شریفین شده است؛ زیرا سلاطین عثمانی خود را خادم حرمین شریفین (مکه و مدینه) می‌نامیدند و عربستان کنونی در آن زمان جزئی از قلمرو حکومتشان محسوب می‌شد. مطابق مهر موجود در ابتدای نسخه، توسط نظیف حاج ابراهیم حنیف وقف شده و سال وقف هم می‌تواند بین سال‌های ۱۶۱۸ تا ۱۶۲۲؛ یعنی دوران حکومت عثمان دوم باشد؛ زیرا طغرای عثمان دوم بر روی نسخه مندرج است.

وزن و قالب شعری در نسخه خطی *ریاحین القلوب (مفعول فاعلات و مفاعیل و فاعلن)* و بحر *مضارع مثنی‌اخر* (مکفوف محذوف) است. تمامی اثر در قالب شعری مثنوی و در وزن مذکور تنظیم شده است؛ وزنی که تقریباً از اوزان و قالب‌های شعری پرکاربرد و زیبای شعر و ادبیات فارسی است.

نکته حائز اهمیت آن است که ترتیب باب‌ها عیناً طبق *گلستان سعدی* چیده شده است؛ تنها جاهایی که تفاوتی در نگارش اثر با *گلستان سعدی* دیده می‌شود، افتتاحیه‌ای در حمد و ستایش خدا و مدح سلطان خلیل و اختتامیه‌ای در پایان کتاب با درج سال تألیف اثر. امیرسیدعلی حسینی با برگردان منظوم دیباچه شروع و پس از ترجمه و برگردان منظوم هشت باب (کاملاً مشابه *گلستان*) آن را به اتمام رسانده است. ترتیب کل باب‌های اثر همانند *گلستان* به شرح ذیل است:

- مقدمه منظوم مؤلف: «حمد و ستایش خدا و مدح سلطان خلیل»؛ (برگ ۶ نسخه خطی)؛
- ترجمه و برگردان منظوم «دیباچه»؛ (برگ ۷ نسخه خطی)؛
- ترجمه و برگردان منظوم باب اول: «در سیرت پادشاهان» ۴۱ حکایت منظوم؛ (برگ ۱۴ نسخه خطی)؛
- ترجمه و برگردان منظوم باب دوم: «در اخلاق درویشان» ۴۸ حکایت منظوم؛ (برگ ۳۷ نسخه خطی)؛
- ترجمه و برگردان منظوم باب سوم: «در فضیلت قناعت» ۲۸ حکایت منظوم؛ (برگ ۵۶ نسخه خطی)؛
- ترجمه و برگردان منظوم باب چهارم: «در فواید خاموشی» ۱۳ حکایت منظوم؛ (برگ ۷۱ نسخه خطی)؛
- ترجمه و برگردان منظوم باب پنجم: «در عشق و جوانی» ۲۱ حکایت منظوم؛ (برگ ۷۴ نسخه خطی)؛
- ترجمه و برگردان منظوم باب ششم: «در ضعف و پیری» ۹ حکایت منظوم؛ (برگ ۸۶ نسخه خطی)؛
- ترجمه و برگردان منظوم باب هفتم: «در تأثیر تربیت»؛ ۱۹ حکایت منظوم؛ (برگ ۹۰ نسخه خطی)؛
- ترجمه و برگردان منظوم «جدال سعدی در بیان توانگری و درویشی»؛
- ترجمه و برگردان منظوم باب هشتم: «در آداب صحبت» ۱۰۸ حکمت منظوم؛ (برگ ۱۰۲ نسخه خطی)؛

- در ختم کتاب «اختتامیه منظوم مؤلف» درج سال ختم کتاب به شعر و همچنین ستایش سلطان خلیل، رحمت و درود به روان شیخ اجل سعدی شیرازی و همچنین فروتنی و طلب عفو شاعر از اهل سخن برای قصور محتمل به شرح ابیات زیر ذکر گردیده است: (برگ ۱۲۱ نسخه خطی)؛

ای صدهزار رحمت حق بر روان شیخ لیکن هزار عذر بیاوردم از نیاز چون کرده‌ام تلفظ اشعار اینچنین جاری شد از ریاحن دل بر سر زبان در شهر ربع اول شد ختم این شعار روشن روان شیخ زمان منبع خواص یارب که عمر و دولت او باد بر مزید شیرانشه زمانه و سلطان خلیل شاه یحیای دین مظفر اسلام فتح باب شایسته زمین و زمان سید گزین تا جان ما ز چهل رهند شویم شاد اتباع او مثال در و لعل با گهر خرمهره ساز دیده گشاده به ظاهرش خواهم مزید عمر عزیزش به صبح و شام این درد چهل را ز قبولش دوا کنیم این گلستان به نظم سراسر درآورم مطلوب این کتاب شد از غیب حاصلم یارب به چشم اهل نظر دار وجه خوب خواننده کتاب ریاحین به روزگار پوشد عیوب، عفو کند بر خطای من شد ختم این کتاب براین عفو والسلام	چون شد تمام ترجمه گلستان شیخ کردم زبان به ترجمه این سخن دراز عفوم کنند اهل سخن در بیان این هشتصد گذشت شصت ز هجرت که این بیان در حین دولت شرف خلق روزگار سلطان خلیل سایه حق بر عوام و خاص شیرانشه زمان که ز نسلش شده پدید در سایه حمایت حق باد سال و ماه در عصر دولتش شده روشن چو آفتاب پیر به حق ز نسل نبی و امام دین یارب که دولتش همه روزه مزید باد اصحاب او گزیده و نسلش گزیده‌تر جوهر فروش داند قدر جواهرش این بنده خاکسار در دولتش مدام باشد که گرد و خاک درش توتیا کنیم از همتش مدد طلبیدم گر آورم لطفش قبول کرد مدد داد در دلم اسم آمدش ریاحین بستانگه قلوب درخواه ای علی حسینی ز کردگار یارب هرآنکه بشنود این نظم‌های من دارالسلام، منزل و مأواش کن مدام
---	---

- درج سال ختم کتاب توسط مؤلف به عربی به شکل زیر: (ریاحین القلوب، برگ ۱۲۱)

فَرَّغَ مِنْ تَحْرِيرِهِ يَوْمَ الْخَمْسِ عَشْرِينَ^۱

شهر ذی‌الحجه الحرام حجه ثلث

و ستین و ثمانمائه الهجره

رسم الخط و نوع کاغذ به کار رفته در نسخه خطی *ریاحین القلوب*

همانطور که پیشتر ذکر شد تنها یک نسخه از *ریاحین القلوب* کتابت شده و هم اکنون در کتابخانه نورعشمانیه استانبول به شماره ۳۹۳۰ موجود است؛ در کتابت این اثر از کاغذ کاهی و قلم سیاه برای متن و قلم الوان و رنگی

^۱ من این کتاب را به پایان رساندم، خداوند شما را بیاورد و شما را رحمت کند. من ویرایش آن را در بیست و پنجمین روز ماه ذی الحجه، حج مقدس، هشتصد و شصت و سه به پایان بردم.

برای عناوین ابواب و حکایات و سایر مطالب با رنگهای سبز، قرمز و... استفاده گردیده و خط اثر نیز به نستعلیق و توسط کاتبی نامعلوم (به احتمال زیاد خود شاعر و مؤلف) نوشته و کتابت شده است.

سبک نوشتاری و ویژگیهای ادبی ریاحین القلوب

در رابطه با سبک نوشتاری و ویژگی‌های ادبی ریاحین القلوب به موارد ذیل میتوان اشاره کرد:

• مؤلف، کل گستان را در هشت باب، یک دیباچه و افتتاحیه و اختتامیه به نظم درآورده و از عناوینی مانند ترجمه بیت، ترجمه قطعه، ترجمه مثنوی، ترجمه دعا، ترجمه سخن، ترجمه شعر، ترجمه جواب، ترجمه حکایات، ترجمه مثل، ترجمه نظم، ترجمه حکایت منظوم، ترجمه عربی، ترجمه رباعی، ترجمه دوبیتی، ترجمه لطیفه و... استفاده کرده است و به جز مقدمه منظوم کوتاهی در وصف سلطان خلیل و حمد و ستایش خدا، بقیه نسخه را براساس گستان سعدی ترجمه و بصورت منظوم برگردانده و عنوان هر باب را در آغاز آن نوشته است. مؤلف در این اثر سعی کرده تمامی مطالب گستان را در حدّ توان خود ترجمه و دوباره بصورت منظوم بازآفرینی نماید؛ در این نسخه، مولف، حتی اشعار گستان را با عناوین ترجمه مثنوی، ترجمه دوبیتی و غیره نوشته و به نظم دوباره در بحر (مضارع مثنی ارب مکفوف محذوف) درآورده و همچنین جملات و اشعار عربی را نیز به شعر فارسی ترجمه منظوم کرده است. این اثر با این ابیات آغاز میشود: (ریاحین القلوب، برگ ۱)

حمد و ستایش صمد روح برگزین	ترکیب داد مختلف ارکان بهم قرین
بگشایم این زبان به صفات کمال او	نی هست بود باشد هرگز زوال او

شاعر سلطان خلیل را اینگونه مدح کرده: (همان، برگ ۱ و ۲)؛

بعد از درود و حمد نبی و تبع او	گویم بیان آنکه بُود او شعاع او
سلطان خلیل شاه نسب دین مظفری	مشهور خسروان زمان او به سروری

شاعر از درگاه خدا با بیتی به روح سعدی رحمت نثار کرده و سپس دیباچه گستان را با این ابیات به شعر برگردانده و آغاز کرده است: (ریاحین القلوب، برگ ۱)

یارب ز فیض فیاض فیاضت آشکار	بر روح شیخ سعدی دانا بکن نثار
منت خدای را که برآورد از عدم	نقشی چنین مصور و انبا و محترم
از بهر طاعتش به جهان داد خرمی	بس نعمتست شکر ز انفاس آدمی
پس هر نفس فرو شود از جانب حیات	آمد برون همیشه مفرح شده ز ذات
درهر نفس دو نعمت موجود شد بدان	هر نعمتیش را شده واجب به شکر آن
لیکن که را مجال بُود تا به فکر او	دست زبان گشاید در حمد شکر او

• به جای همزه وسط «ئ» از «ی» چسبان استفاده شده: (ریاحین القلوب، برگ ۷ و ۱۹ و در جای جای نسخه)؛

• او سرفراز آمده بر جمله «کاینات»
او سرفراز آمده بر جمله «کاینات»
بس مفخریست زبده موجود را بدات

- سرکش «گ» اکثراً گذاشته نشده است؛ مانند مصرع نخست شروع اثر که به جای کلمه «گزین، کزین» نوشته شده است: (ریاحین/القلوب، برگ ۱، بیت ۱)؛
حمد و ستایش صمد روح (برگزین) ترکیب داد مختلف ارکان بهم قرین
- از همزه آخر «ء» و همزه روی الف «أ» استفاده نشده است مثل کلمه اولیا و مالوف در ابیات زیر:
(ریاحین/القلوب، برگ ۱۱ و سرتاسر نسخه)؛
ختم دعا به نام شه اولیا کنم این جان خسته را به ثنایش دوا کنم
همچون که بود عادت مالوف در طریق معروف در طریق شدن بایدم رفیق
- حرف «ب» در اکثر موارد در ابتدای کلمات چسبان نوشته شده است، مانند کلمات «به خاطر» و «به هدیه»؛
گفتا بلی (بخاطر) من بود تا گلان آرم (به هدیه) بهر تماشای بلبان
- از مرکب سیاه برای نوشتن متن و از مرکبهای الوان با رنگهای نارنجی، قرمز، سبز، و زرشکی برای کتابت عنوانها استفاده شده است؛
- سرتیترها و عناوین به کار رفته در متن نسخه خطی عبارتند از: ترجمه، ترجمه شعر، ترجمه بیت، ترجمه سبب کتابت گلستان، ترجمه جواب، ترجمه تنبیه، ترجمه حکایت، ترجمه مثنوی، ترجمه رباعی، ترجمه مثل و... که در همه این موارد منظور از کلمه «ترجمه» به جز ترجمه ابیات و جملات و امثال عربی همان برگردان منظوم و برگردان نثر به شعر میباشد.
- در اکثر ابیات کلمات چسبان جدا از هم نوشته شده مثل کلمه «خوش دل و نیک خو» در ابیات زیر: (ریاحین/القلوب، برگ ۱۱)؛
دانی زبان درون دهن چیست بلبلی هر لحظه در قفس بسراید به «خوش دلی»
گر جنگ آرزوست کنی با کسی نکوست کو را بصلح خیر چو مردان «نیک خوست»
- البته شایان ذکر است که این موارد در تصحیح نسخه مطابق ویرایش نوشتاری امروز اصلاح و نوشته شده است.
- کلمه «است» نیز در آخر کلمات مصرعها بصورت چسبان و به کلمه قبل از خود چسبیده نوشته شده است مثل:
ایام نوبهار گلستان چه عالمیست با دوستان غنیمت و میدانک حرمتیست
- یا در این بیت:
خاصه که ابتدایش به نام شهنشست بوبکر سعد زنگی عالیش درگهست
- در کتابت نسخه خطی ریاحین/القلوب برای ترتیب صفحات از رکابه استفاده شده است که قبلاً تشریح شد؛
- اشعار و جمله‌های عربی عیناً ذکر شده و سپس با شعر فارسی ترجمه و برگردان منظوم شده است؛

- در کتابت اثر، اشعار در هر صفحه کادر بندی شده و به گونه‌ای در داخل جدول نگارش شده‌اند، همچنین عنوانها نیز به همین روش با نقش نگار و رنگ قلم مختلف در داخل کادر نوشته شده‌اند؛
- در پاره‌ای از موارد مؤلف *ریاحین/القلوب* در عناوین و سر تیترها بین شعر و نظم تفاوت قائل شده بطوری که برخی اشعار سعدی در *گلستان* را با عنوان «ترجمه شعر» برگردان به شعر کرده، اما برخی دیگر را مانند حکایت ۳۳ باب دوم با عنوان «ترجمه نظم» به شعر برگردانده است.
- در نسخه خطی *ریاحین/القلوب* مؤلف با عنوانهای «ترجمه حکایت، ترجمه لطیفه و ترجمه فایده» بین حکایت و لطیفه و فایده تفکیک قائل شده است؛ زیرا حکایت در *گلستان* معمولاً داستان کوتاهی را روایت میکند و لطیفه به نکته نغزی اشاره دارد، اما منظور از فایده مطلبی است که فایده‌ای را به مخاطب میرساند.
- شاعر در برخی موارد برای درستی وزن شعر از حرف «و» وسط یا ابتدای ابیات استفاده کرده بعنوان مثال در بیت:

قربان کنیم بذل و یا ختم در کتاب باشد شفا دهد کرمش از ره صواب

که در شعر امروز نیز از این «و» استفاده میشود. البته حرف «و» در اول مصرع از خصوصیات سبک خراسانی نیز هست.

قالب‌بندی صفحات در نسخه خطی ریاحین القلوب

کاتب یا مؤلف در هر صفحه به جز معدودی از صفحات، همانند نمونه زیر تنها به هفده سطر اعم از عنوان، ترجمه، برگردان، جمله عربی و ... بسنده کرده و در کل اثر این سبک نوشتاری را رعایت کرده است که در تصحیح این نیز نسخه به دلیل تک نسخه بودن عیناً همین سبک نوشتاری رعایت گردید تا در صورت چاپ کتاب، امکان مقابله هر صفحه با نسخه اصل وجود داشته باشد:

ترجمه

آویختست عقد ثریا ز تارکش	یا ریختست خرده مینا ز تارکش
جایی رسیده میوه الوان خوشگوار	جایی دمیده لاله و گل هر طرف هزار
گاهی سیاه و گاه سفید و گهی چو زر	آورده باد شاخ درختان به باغ در
دامن گرفته پرگل و سنبل به قصد آن	چون میل خاطرش به سوی شهر شد روان
این بوستان گل که بدیدی تو اینچنین	چون دیدمش بگفتم ای یار نازنین
دلیستگی درو ز نشان سلیم نیست	گل را وفا نباشد بستان مقیم نیست
فرمان برم حدیث تو را من به شرط آن	گفتا طریق چیست بگو تا شوم بر آن
حاضر کتاب همچو گلستان خاطر	وز بهر ناظران نصیحت درآورم
دست تطاولش نرسد گرد خامه را	تصنیف خوش که باد خزانی زمانه را

ترجمه

بهرتر بود ز لاله و گلزار و یاسمین	گر یک ورق بری ز گلستان من ببین بهتر
زین گلستان ماست در عالم حکایتی	گل روز چند بیش ندارد طراوتی
برخاک ریخت گل که به دامان بدش روان	چون من بگفتم این سخن آن یار در زمان

که الکَرِیم اذا وَعَدَ وَفَى

فصلی دو در زمان بعبارت روانه شد از معنی که حاصل خلق زمانه شد
حسن معاشرت به دو فصل محاورت هم در بلاغت هنر و در مشاورت

شروع باب اول در سیرت پادشاهان به شکل زیر سروده شده است:

ترجمه باب‌ها

اول بود ز سیرت شاهان بیان ما باب دوم ز خلق فقیران بی‌نوا
باب سیم ز فضل قناعت کنم بیان چارم بود فواید خاموشی زبان
در عشق و در جوانی بایست پنجمین باب ششم ز ضعف و ز پیریست نازنین
هفت‌است باب تربیت و قابل نفس هشت است باب صحبت آداب او و بس

ترجمه شعر

در مدتی که وقت خوشم بود زین کتاب پنجاه و شش ز هجرت و با ششصدش حساب
مقصود ما نصیحت خوش بود گفته‌ایم باقی حوالتش به خدا ما برفته‌ایم

باب اول در سیرت پادشاهان (ترجمه حکایت)

چون پادشا به کشتن شخصی محید شد بیچاره از جوانی خود ناامید شد
دشنام داد او به زبانی که داشتی باکی ز ناسزا و سقط مینداشتی
گفتند هرکه دست ز جان شست در زمان آرد هرآنچه در دل او هست بر زبان

ترجمه بیت

وقت ضرورتی که شاید گریختن شمشیر تیزدست تواند گرفتن

شعر

اذا یئس الانسانُ طال لسانه کَسَنُورِ مغلوب یَصُولُ علی الکلب

ترجمه شعر

تو آن کسی که بصورت چو آدمی لیکن سگست صورتت از راه معنوی
پرسید شاه و گفت چه میگوید این فقیر دادش جواب وجه حسن آن زمان وزیر

«و الكاظمین الغیظ والعافین عن الناس»

ترجمه حکایت

گفتا ثنای جان تو میگوید این زمان	خرم شد آن امیر بدادش ورا امان
بودی مگر وزیر دگر ضدّ او بسی	ابنای جنس ما نبُود اینچنین کسی
در حضرتی که شاه بُود راستی رواست	جز راستی هرآنچه بگویی همه خطاست
دشنام ناسزاست که داد آن فقیر باز	شه روی درکشید ازو گفت کج میاز
صدباره آن دروغ که او گفت پیش من	به راستی که فتنه برآید ازان سخن
گفتند مردمان خردمند نیک خوی	بهتر دروغ مصلحت از راست فتنه جوی

ترجمه بیت

آن را که شاه آن کند او گویدای عزیز حیف است جز نکوسنخان هیچ چیز

ترجمه بیت

با کس جهان نماند جاوید پس بدان	دل را مبند غیر خداوند جاودان
تکیه مکن به ملک جهان زان که او بسی	پرورد و کشت رحم نیاورد بر کسی
آهنگ رفتنی که کند جان پاکباز	گر روی خاک باشد گر بخت بر فراز

علل منحصر بفرد بودن نسخه خطی ریاحین القلوب

- ریاحین/القلوب از معدود آثار و یا به قولی میتوان گفت تنها اثر منظوم از برگردان گلستان سعدی است که قرنهای نه چندان دور از تألیف اصل گلستان، توسط شاعری خوش ذوق به نام امیر سیدعلی حسینی به شعر برگردانده شده و اکنون در دنیا تنها یک نسخه از آن در کتابخانه نور عثمانیه استانبول باقیمانده است؛ گویا در زمان تألیف نیز ظاهراً تنها همین تک نسخه به جا مانده، سروده، کتابت و تألیف شده است.
- با توجه به اینکه سیدعلی حسینی در سال ۸۶۰ ه.ق و قرن نهم می‌زیسته و سبک شعر و نثر در زمانه او به تکلف و دشواری در لفظ و معنا سوق داده شده، اما شاعر کلام خود را از این تکلف به زیبایی رها کرده و با لحنی ساده و عام‌فهم اقدام به برگردان و ترجمه منظوم گلستان سعدی کرده است.
- مؤلف ریاحین/القلوب به شدت وفادار به متن اصلی گلستان بوده و حتی در بسیاری از موارد از عین کلمات گلستان برای برگردان یا ترجمه منظوم آن استفاده کرده است.
- در بسیاری از موارد شاعر ریاحین/القلوب کوشیده است تا حدّ امکان یا از کلمات فارسی تر بهره گیرد و یا اینکه کلمات سخت و عربی در متن گلستان را در برگردان منظوم، چه بصورت شکلی و املائی و چه بصورت معنایی، استفاده نکند که این خود با توجه به سبک شعری دشوار و متکلف ادبی دوره سرودن این اثر قابل توجه است؛ زیرا همان‌گونه که ذکر شد با اینکه در آن دوران شعر و نثر فارسی در حال گرایش به پیچیدگی لفظی بوده، شاعر این اثر، کلام خود را به آن نیالوده است. در جاهایی از متن، در شکل ظاهری نگارش کلمات (حکایت ۱۴ باب دوم کلمه «مصطفی را مصطفی آورده») نیز دست برده است.

سراینده *ریاحین/القلوب* کوشیده است ابیات یا مطالبی که فهم آن در *گلستان*، به رغم نشر مرسل سعدی، کمی دشوار است را در برگردان منظوم آن، ساده‌تر بیاورد؛ البته ذکر این نکته خالی از لطف نیست که «گلستان سعدی با وجود دارا بودن سجع و آمیختگی با آرایه‌های ادبی و بهره‌گیری از واژه‌ها و جملات و اشعار عربی، صاحب نثری ساده و موزون و شعری روان و درخور فهم همراه باشیرینی و عذوبت است. هر چند سبک گلستان در مجموع عراقی بشمار می‌آید.» (ر.ک. صدرالحفاظی، ۱۳۸۹: ۷۸)

بعنوان مثال در باب دوم حکایت شماره بیست، در بیتی از سعدی آواز بد مطرب اینگونه توصیف شده است:
گویِ رگِ جان می‌گسلد زخمه ناسازش ناخوش‌تر از آوازه مرگِ پدر آوازش

در حالی که در برگردان منظوم آن سیدعلی حسینی در *ریاحین/القلوب* اینگونه آمده است: (*ریاحین/القلوب*، برگ ۴۴):

گویِ که زخمه بر رگِ جان می‌زند نواش ناخوب‌تر زمرگِ پدر بود آن صداش

بنظر می‌رسد در مصرع دوم این بیت، به رغم زیبایی کلام سعدی و وجود صنایع مختلف ادبی ازجمله جناس و غیره، شعر و کلام سیدعلی حسینی ساده‌تر و فهم آن راحت‌تر است. همچنین در بیت بعدی همان حکایت سعدی از کلمه (زیبم در گوش کن تا نشنوم) استفاده کرده در حالی که سیدعلی حسینی آن را با کلمه و مصرع (پنبه به گوش من بکن آخر که نشنوم) تغییر داده و با تغییر کلمه «زیبق» به «پنبه» آن را آسانتر و فهم آن را امروزیت‌تر کرده است؛ نکته حائز اهمیت آن است که در بسیاری از موارد ترجمه و برگردان منظوم ابیات عربی فراوان در *گلستان* سعدی توسط سیدعلی حسینی به زبانی ساده، شاعرانه فارسی ترجمه کرده است.

در جایی دیگر (حکایت ۳۱، باب دوم گلستان) سعدی کلمه «مُنْعَص» را به معنی مکدر شدن عیش به کار برده که در برگردان آن مؤلف و شاعر *ریاحین/القلوب* از کلمه «نقص» که عامیانه‌تر است و تقریباً همان معنی را در آن مطلب می‌دهد، استفاده کرده است، و جمله «عیش مرا مُنْعَص داشتن» سعدی را اینگونه سروده است: «عیش مرا به نقص درآورد او چنان». (برگ‌های ۴۹ و ۵۰ نسخه)؛ همچنین در بیت بعدی در ادامه همان حکایت مصرع عربی سعدی، یعنی «وَقِنَا رَبَّنَا غَذَابَ النَّارِ» را ساده و فصیح، ترجمه کرده است: «یارب عذاب آتش را آب فضل پاش.» (برگ ۵۰ نسخه)؛ در ذیل هر دو حکایت به قول سعدی و متن *گلستان* و ترجمه منظوم آن در *ریاحین/القلوب* برای مقابله و گیرایی بیشتر و طلب اقتناع مخاطبان آورده‌ایم:

«از صحبت یاران دمشقم ملالتی پدید آمده بود سر در بیابان قدس نهادم و با حیوانات انس گرفتم تا وقتی که اسیر فرنگ شدم و در خندق طرابلس با جهودانم به کار گل بداشتند. یکی از رؤسای حلب که سابقه‌ای میان ما بود، گذر کرد و بشناخت و گفت: ای فلان این چه حالتست گفتم چه گویم؟

همیگریختم از مردمان به کوه و به دشت	که از خدای نبودم به آدمی پرداخت
قیاس کن که چه حالم بود در این ساعت	که در طولیله نامردمم ببايد ساخت
پای در زنجیر پیش دوستان	به که با بیگانگان در بوستان

بر حالت من رحمت آورد و به ده دینار از قیدم خلاص کرد و با خود به حلب برد و دختری که داشت به نکاح من در آورد به کابین صد دینار. مدتی بر آمد بدخوی ستیزه‌روی نافرمان بود، زباندرازی کردن گرفت و عیش مرا «مَنْعَص»^۱ داشتن

زن بد در سرای مرد نکو هم درین عالمست دوزخ او
زینهار از قرین بد زینهار وَ قِنَا رَبَّنَا عَذَابَ النَّارِ^۱

باری زبان تعنت دراز کرده همی‌گفت تو آن نیستی که پدر من ترا از فرنگ، باز خرید. گفتم بلی من آنم که به ده دینار از قید فرنگم باز خرید و به صد دینار به دست تو گرفتار کرد.

شنیدم گوسپندی را بزرگی رهانید از دهان و دست گرگی
شبانگه کارد در حلقش بمالید روان گوسپند از وی بنالید
که از چنگال گرگم در ربودی چو دیدم عاقبت خود گرگ بودی
(گلستان سعدی، ۱۳۸۹: ۱۱۰)

ترجمه حکایت از ریاحین القلوب (ریاحین القلوب، برگ‌های ۴۹ و ۵۰)

ما در دمشق صحبت یاران که داشتیم ناگه ملالتی برسید آن گذاشتیم
رفتم میان بادیۀ قدس آن زمان بگرفتم انس با دد و با دام و آهوان
میگشتم و فراغ ز دنیا و هرچه هست ناگه شدم اسیر فرنگان خارپست
بردند با طرابلسم با جهود چند در خندقی به کار گِلَم داشتند بند
بگذشت دوستی مگر آنجا به رهگذار دیدی مرا میان جهودان نابکار
با ما چو داشت او به حلب دوستی نکو دید و شناخت گفت چه حال است بازگو
چونی میان مردم نااهل در بلا گفتم مپرس حال من زار مبتلا

ترجمه بیت

از مردمان گریخته در دشت و کوهسار غیر از خدا نبود مرا یار و غمگسار
این دم قیاس کن که چه حالت بُود مرا نامرد مست همدم من روز و شب هلا

ترجمه بیت

پایم ببسته زار به زنجیر پیش یار به زان به بوستان بنشینم به نزد مار
چون دید حال من به ترخم درآمد او پس داد ده دنار مرا باز بستد او
از قید آن فرنگ خلاصم بداد باز با خود به ببرد تا حلبم پس به عزّ و ناز
بودش به خانه دختر و داد او مرا روان کابین به صد دنار ببستند آن زمان

^۱ مَنْعَص: کسی و یا چیزی که زندگی را بر کسی سخت و تیره می‌کند. ناخوش و ناگوارکننده. (لغت نامه دهخدا ذیل واژه «منقص»). که به جای این کلمه امیر سید علی حسینی در ریاحین القلوب از کلمه نقص استفاده کرده است.

چون مدّتی برآمد دختر ستیزه‌کار بدخوی و بدزبان پدر آمد ز روی کار
عیش مرا به «نقص»^۱ درآورد او چنان در شرح آن نگر که چه گفتند عاقلان

ترجمه بیت

مرد نکوی را چو زن ناسزا بُود او خود در این جهان چو عذاب خدا بُود

ترجمه بیت

دور از قرین بد تو به زنه‌ار دور باش یارب عذاب آتش را آب فضل پاش»^۲
باز از زبان طعنه گشاد و مرا گزید آخر تو را به ده درمی باب من خرید
گفتا بلی به ده درم آزاد کرد ساز لیکن به صد درم به اسیریت داد باز

ترجمه بیت

گویند گوسفند که در دست گرگ بود مردی رسید کرد ترحم ورا ربود
چون ساعتی برآمد و زد کارد بر گلوش زد گوسفند ناله و افتاد در خروش
از دست گرگ گرچه ربودی مرا شویی دیدم یقین که گرگ ستمکار من تویی

مؤلف و کاتب اثر در املای کلمات به گونه‌ای عمل کرده که حتی با املای کلمات در عصر حاضر و معیار فرهنگستان زبان و ادب پارسی امروز نیز از نظر ویرایش مطابقت دارد. بعنوان مثال کلمه «صاحب‌دلان» را، همان‌گونه که امروزه نیز اجماع نظر ویراستاران بر آن است، جدا اما با نیم‌فاصله نزدیک هم کتابت کرده است: (ریاحین/القلوب، برگ ۲۳ و ۳۱ و...)

وقتی به راه کعبه شدم با رفیق چند «صاحب‌دلان» تازه، جوانان حق‌پسند

• وفاداری کامل مؤلف ریاحین/القلوب به متن اصلی گلستان سعدی در برگردان و ترجمه منظوم آن کاملاً مشهود است؛ به گونه‌ای که علاوه بر معانی و مفاهیم و موضوعات حکایات و غیره بسیاری از کلمات گلستان را عیناً در برگردان منظوم به کار برده است.

• استفاده از فنون و صنایع ادبی مختلف مانند صنعت جناس در ریاحین/القلوب توسط مؤلف برای زیبایی هرچه بیشتر نسخه برگردان منظوم گلستان مانند مثال زیر بعنوان مثال: (ریاحین/القلوب، برگ ۳)؛
وان را که نیست دست به نانِ تهی تمام شلغم برش چو برّه بریان بُود تمام

استفاده از جناس تام در بین فوق بین دو کلمه «تمام» که تمام اول به معنی کامل و درست و یک نان خالی کامل است و تمام دوم به معنی اختتام و پایان و السلام است. و بکارگیری صنایع ادبی اینچنین در متن ریاحین/القلوب

^۱. استفاده زیبا از کلمه ساده و عام فهم «نقص» به جای کلمه دشوار و عربی «مَنْقُص».

^۲. ترجمه و برگردان ساده، زیبا و منظوم مصرع «رَبَّنَا وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ» در کتاب ریاحین القلوب.

فراوان است که یک مورد بعنوان نمونه ذکر گردید.

نتیجه‌گیری

مقاله معرفی نسخه خطی *ریاحین القلوب*، این امکان را فراهم کرد تا با اثری منحصر بفرد از برگردان و ترجمه منظوم *گلستان* شیخ اجل سعدی شیرازی، به همت شاعری خوش ذوق و ارادتمند سعدی، امیر سیدعلی حسینی آشنا شویم. وی که به فاصله چند قرن از وفات سعدی در قرن نهم هجری قمری و در زمان حکومت آق‌قویونلوها در شیراز میزیسته، *گلستان* سعدی شیرازی را از نثر مرسل به نظم روان و ساده و به بیانی حتی ساده‌تر از خود *گلستان*، برگردانده و به پسر «اوزون حسن» سلطان خلیلین سلطان، که حاکم ادب دوست اقلیم فارس و شیراز بوده، تقدیم کرده است. نسخه *ریاحین القلوب* هم اکنون در کتابخانه نورعثمانیه استانبول به شماره ۳۹۳۰ موجود است؛ این تحقیق به منظور شناخت نسخه منظوم اثر ارزشمند *گلستان* سعدی قابل توجه است، با توجه به اینکه تألیف اثر با زمان تألیف *گلستان* فاصله زمانی زیادی ندارد، لذا شناخت برداشته‌های محققان آن دوره از *گلستان* سعدی بخصوص در قالب نظم و همچنین سبک شعری استفاده شده و همچنین نحوه بیان حکایات و کلیت اثر، میتواند در شناساندن هرچه بیشتر *گلستان* سعدی و معارف آن به ادب دوستان ایران و جهان مؤثر باشد. با توجه به اینکه این نسخه منحصر بفرد بوده و تنها اثر یا از معدود آثار منظوم برگردان و ترجمه از *گلستان* سعدی است و همچنین خود نسخه خطی *ریاحین القلوب* هم تک نسخه و تنها نسخه باقیمانده از آن دوران است، میتواند برای جامعه ادبی کاربردهای فراوان ادبیاتی داشته باشد.

سیدعلی حسینی در تألیف *ریاحین القلوب* بسیار وابسته و وفادار به متن کتاب *گلستان* سعدی بوده و نه تنها دیباچه و هشت باب *گلستان* را عیناً به شعر برگردانده، اشعار و جملات عربی آن را نیز ترجمه کرده است؛ همچنین وی در بسیاری از موارد در بیان مطالب از عین کلمات *گلستان* بهره برده و همچنین کوشیده است تا حد امکان برخی کلمات دشوار *گلستان* را با جایگزینی کلمات ساده‌تر، عامیانه‌تر نماید و تلاش کرده برخی کلمات عربی *گلستان* را در برگردان منظوم، با معادل فارسی آن جایگزین نماید. شاعر اثر در برگردان منظوم، تلاش کرده حتی بصورت شکل و ظاهر کلمات، از کلمات عربی استفاده نکند. این ابتکار بر همه فهمی و در عین حال زیبایی این اثر افزوده در حالی بعنوان مؤلف و مترجم، اصول وفاداری به متن اصلی را بطور کامل رعایت کرده و وفادار به متن اصلی *گلستان* مانده است. البته استفاده از فنون و صنایع ادبی مختلف مانند صنعت جناس در سرتاسر اثر دیده میشود. در این نسخه، رکابه دیدیه میشود. دارای سه مهر مخصوص است. این سه مورد مهر بعنوان مهر وقف به همراه نقش طغرای سلطانی در صفحه اول و آخر آن درج شده‌اند. اشعار و جمله‌های عربی عیناً ذکر شده و سپس با شعر فارسی ترجمه و برگردان منظوم شده است؛ همچنین در این اثر، مؤلف با عنوانهای «ترجمه حکایت»، ترجمه لطیفه و ترجمه فایده» بین حکایت و لطیفه و فایده تفکیک قائل شده است.

کاتب یا مؤلف در زمینه قالب بندی اثر، تلاش کرده (به جز معدودی از صفحات) در هفده سط عناوین مختلفی اعم از هفده سطر اعم از عنوان، ترجمه، برگردان، جمله عربی و ... را بیاورد.

در کتابت این اثر از کاغذ کاهی و قلم سیاه برای متن و قلم الوان و رنگی برای عناوین ابواب و حکایات و سایر مطالب با رنگهای سبز، قرمز و ... استفاده شده و خط اثر نیز به نستعلیق و توسط کاتبی نامعلوم (به احتمال زیاد خود شاعر و مؤلف) نوشته و کتابت شده است.

در پایان نیز بعد از اتمام برگردان منظوم باب هشتم، با بیان ابیاتی ضمن عرض ارادت به استاد سخن، شیخ اجل سعدی شیرازی و تقدیم «ریاحین/القلوب» به سلطان خلیل و ذکر تاریخ اتمام اثر، از محضر تمامی بزرگان ادب فارسی بر وجود قصور احتمالی در این اثر عذرخواهی نموده و طلب عفو کرده است.

چون شد تمام ترجمه گلستان شیخ	ای صدهزار رحمت حق بر روان شیخ
کردم زبان به ترجمه این سخن دراز	لیکن هزار عذر بیاوردم از نیاز
عفوم کنند اهل سخن در بیان این	چون کرده‌ام تلفظ اشعار اینچنین

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب استخراج شده است. سرکار خانم دکتر سهیلا موسوی سیرجانی راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای احمد ذکاوت بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. سرکار خانم دکتر نرگس جابری نسب به عنوان استاد مشاور در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش مشارکت داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان مراتب تشکر و قدردانی خود را از مدیر گروه رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب و اعضای هیأت تحریریه نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) اعلام مینمایند.

عدم تعارض منافع

نویسندگانی که نامهایشان ذکر شده است تأیید میکنند که هیچ وابستگی یا مشارکتی با هیچ سازمان یا نهادی که منافع مالی (مانند حق الزحمه؛ کمک‌های آموزشی؛ شرکت در سخنرانی‌ها؛ عضویت، استخدام، مشاوره، مالکیت سهام یا سایر منافع مالی؛ و شهادت کارشناسی یا ترتیبات مجوز اختراعات) یا منافع غیرمالی (مانند روابط شخصی یا حرفه‌ای، وابستگی‌ها، دانش یا باورها) در موضوع یا مواد مورد بحث در این دست‌نوشته ندارند.

REFERENCES

- Ahmadi, Bābak. (2006/1385SH). *Sāxtār va Ta'vīle Matn*. 8th ed. Tehrān: Markaz.
- Barthes, Roland. (1999/1370SH). *Anāsore Nešāne-šenāsī (Elements of semiology)*. Tr. by Majīd Mohammadī. Tehrān: al-mahdī.
- Barthes, Roland. (2014/1393SH). *Nešāne-šenāsī-ye Adabī (Literary semiotics)*. Tr. by Nāser Fokūhī. Tehrān: Farhange Jāvid.
- Esmā'īlī, Zībā. (2024/1403SH). *Vākāvī-ye Ta'sīr-pazīrī-ye Tazkerato al-o'liyā az Resāle-ye Qošīrīyeh bar Mabnā-ye Nazarīyeh-ye Trametonitis Genette. Bi-monthly scientific-specialized journal of mysticism studies in literature of Allameh Tabataba'i University*. 3rd Year. No. 6. Pp. 11-44. Doi: 10.22054/msil.2025.82484.1149
- Farzāne-fard, Sa'īd & Ebādī, Rasūl and Asqarī Govār, Narges. (2025/1404SH). *Tahlīle Meydānhā-ye Faqr, Xof va Rejā dar Sad Meydāne Xāje abdo al-Ilāh Ansārī va Moqāyese-ye ān bā al-ta'arraf le-mazhabe Ahle al-tasavvof, Resāle-ye Qošīrīyeh va Kašfo al-mahjūb. Quarterly Journal of Mytho- Mystic Literature. Islamic Azad University- South Tehran Branch*. 21th Year. No. 79. Pp. 94-114.
- Haq-šenās, Alī-mohammad. (1999/1370SH). *Maqālāte Adabī va Zabān-šenāxtī. Tehrān: Nīlūfar*.

- Kār-āmūz, *Fathīyyato al-sādāt & Ašraf-zādeh, Rezā and Taqavī, Majīd*. (2019/1398SH). *Barrasī, Tahlīl va Moqāyese-ye Kerāmāt dar Kašfo al-mahjūbe Hojvīrī va Resāle-ye Qošīrīyyeh. Comparative Literature Journal*. 10th Year. Pp. 32-57.
- Karīmī-panāh, Malīhe. (2024/1403SH). *Barresī-ye Tatbīqī-ye Resāle-ye Qošīrīyyeh va Tazkare-ye Seyaro al-ow'liyā bar Mabnā-ye Nazarīyye-ye Genette, Gérard. Journal of Lyric Language and Literature Studies*. 46th Year. Pp. 103-114.
- Mansūrī Meymandī, Mehr-nūš. (2020/1400SH). *Barresī-ye Tatbīqī-ye "Towhīd va Tavakkol" dar Resāle-ye Qošīrīyyeh bā Tabaqāto al-sūfīyyeh-ye Xāje abdo al-lāh Ansārī. Journal of Comparative Literature Studies*. No. 59. Pp. 287-305.
- Mohammad Qāsemī & Mahdī Rowzātīyān, Seyyede Maryam and Mīr-bāqerī-fard, Seyyed Alī-asqar. (2023/1402SH). *Moqāyese va Tahlīle Aqvāle Marbūt be Rezā dar Tazkerato al-ow'liyā. Tr. by Resāle-ye Qošīrīyyeh va Kašfo al-mahjūb (bar Pāye-ye Beynā-matnīyyat). Persian Literature Textual Studies Journal*. 15th Year. No. 3. Pp. 17-32.
- Qošīrī, abo al-qāsem. (2003/1374SH). *Tarjome-ye Resāle-ye Qošīrīyyeh*. With corrections and interpretations by Badī'o al-zamān Forūzan-far. Tehrān: Elmī va Farhangī.
- Qošīrī, abo al-qāsem. (2009/1388SH). *Tarjome-ye Resāle-ye Qošīrīyyeh*. With corrections and introduction by Badī'o al-zamān Forūzan-far. 2nd ed. Tehrān: Zavvār.
- Qošīrī, abo al-qāsem. (2014/1391SH). *Tarjome-ye Resāle-ye Qošīrīyyeh*. With corrections and interpretations by Badī'o al-zamān Forūzan-far. Tehrān: Hermes.
- Rezāyatī Kīše-xāleh, Moharrām. (2005/1384SH). *Tahqīq dar Resāle-ye Qošīrīyyeh bā Ta'ammolī dar Afkār va Āsāre Emām Qošīrī*. Tehrān: Anjomane Āsār va Mafāxere Farhangī.
- Saussure, Ferdinand de. (2024/1403SH). *Dowre-ye Zabān-šenāsī-ye Omūmī (Course in general linguistics)*. Tr. by Kūroš Safavī. 9th ed. Tehrān: Hermes.
- Savvāb, Fātemeh and Šā'bān-zādeh, Maryam. (2014/1393SH). *Tabār-šenāsī-yyeh Tavakkole Erfānī dar Resāle-ye Qošīrīyyeh bar Mabnā-ye Nazarīyye-yeh Gadamer. Bahar Mystical Studies Journal*. No. 19. Pp. 85-108.
- Sojūdī, Farzān. (2002/1383SH). *Nešāne va Nešāne-šenāsī- Barrasī-ye Tatbīqī-ye Ārāye Saussure, Peirce va Eco. Beautiful Art and Architecture Magazine*. 6th Year. Pp. 83-100.

فهرست منابع فارسی

قرآن کریم.

- اسکندری، سپیده، آشوری، هنگامه، اوحدی، مهرانگیز (۱۴۰۰). مقایسه بیانی گلستان سعدی و منشآت قائم مقام فراهانی. فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). ۱۰۱-۱۰۱.
- دیباجی، ابراهیم (۱۳۴۶). نسخ خطی: دانشنامه جهان، وحید تیر، ش ۴۳، ۶۴۰-۶۴۳.
- صدرالحفاظی، سید مهدی (۱۳۸۹). مختصات زبانی سبک خراسانی در گلستان سعدی. فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). ش ۷، صص ۸۹-۹۹.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات در ایران. ج. سوم. تهران: انتشارات فردوس.
- عظیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۶). نسخه خطی، دایره‌المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشنامه اسلامی.
- عظیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۰). مقاله کاغذ در نسخه‌های خطی ایرانی اسلامی، نشریه سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران دوره ۲۲، شماره ۴، ص ۱۳۰.
- فروغی، محمدعلی (۱۳۸۹). تصحیح گلستان سعدی، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). ش ۵، صص ۱۰۱-۱۱۶.

مایل هروی، نجیب (۱۳۶۹). نقد و تصحیح متون، مراحل نسخه شناسی و شیوه‌های تصحیح نسخه‌های خطی فارسی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

مایل هروی، نجیب (۱۳۷۹). تاریخ نسخه پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

معصومی، محمدرضا (۱۴۰۰). تصحیح قیاسی یا تغییر ذوقی؟ نقدی بر تصحیح مجدد عتبه‌الکتبه، متن شناسی ادب فارسی، ۶۷-۸۹.

نظری، محمود (۱۳۸۸). پرسه‌هایی در نسخ خطی، پیام بهارستان، (۳)، ۹۰۳-۸۹۸.

نوشاهی، سید عارف (۱۳۷۳). تصحیح نسخ خطی: رساله والدیه، تحقیقات اسلامی، (۱ و ۳)، ۶۵-۷۷.

یوسفی، غلامحسین (۱۳۶۹). چشمه روشن، تهران، چاپ اول انتشارات علمی.

معرفی نویسندگان

احمد ذکاوت: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(Email: arefsalvador@azad.ac.ir)

(ORCID: 0009-0005-7304-106X)

سپه‌یلا موسوی سیرجانی: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(Email: s_mousavi@azad.ac.ir : نویسنده مسئول)

(ORCID: 0000-0001-8585-8214)

نرگس جابری نسب: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(Email: nargesja@azad.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-0932-0831)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Ahmad Zakavat: Department of Persian Language and Literature, ST.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Email: arefsalvador@azad.ac.ir)

(ORCID: 0009-0005-7304-106X)

Soheila Mousavi Sirjani: Department of Persian Language and Literature, ST.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Email: s_mousavi@azad.ac.ir : Responsible author)

(ORCID: 0000-0001-8585-8214)

Narges Jaberí Nasab: Department of Persian Language and Literature, ST.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Email: nargesja@azad.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-0932-0831)